پژوهش های فقهی حقوق بشر
Jurisprudential Research on Human Rights

A Comparative Analysis of the Legal Implications of E-Government for Administrative Transparency and Accountability in the Legal Systems of Iran and Iraq in Light of Human Rights Principles

Aysar Jawad Kazim Al-Makhsousi [1], Ali Asghar Alamian [2*]

1. Department of law, Na.C., Islamic Azad University, Najafabad, Iran.

2. Department of Criminal Law and Criminology, Isfahan (Khorasgan) Is.C., Islamic Azad University, Isfahan, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Article Type: Original Research

Pages: 251-269

Article history:

Received: 02 Jun 2026

Edition: 19 Jun 2026

Accepted: 07 Jul 2026

Published online: 23 Sep 2026

Keywords:

E-Government, Human Rights, Administrative Transparency, Legal Accountability, Administrative Justice.

Corresponding Author:

Ali Asghar Alamian

Address:

Iran, Isfahan, Islamic Azad University, Is.C., Department of Criminal Law and Criminology.

Orchid Code:

0000-0003-2266-672X

Email:

1819204707@iau.ac.ir

ABSTRACT

Background and Aim: E-government represents a fundamental transformation in public law, reshaping legal relations between governments and citizens and mechanisms of administrative transparency and accountability. This study comparatively examines the legal implications of e-government for transparency and accountability in Iran and Iraq, with particular reference to human rights principles.

Materials and Methods: This applied study employs descriptive-analytical and comparative methods. Data were collected through documentary and library research involving legislation, administrative regulations, and legal scholarship from both countries and examined through legal content analysis.

Ethical Considerations: Academic integrity, accurate citation, respect for intellectual property, and faithful representation of sources were observed.

Findings: Iran possesses a relatively more coherent legal and institutional framework for administrative transparency and accountability, notably through its Law on Publication and Free Access to Information and electronic systems for submitting and tracking complaints. By contrast, despite constitutional recognition of certain citizens' rights, Iraq faces the absence of a comprehensive legislative framework, inadequate mechanisms for enforcing administrative obligations, and institutional fragmentation. Nevertheless, both countries encounter significant challenges regarding personal data protection, privacy safeguards, and equitable access to digital public services, limiting the effective enjoyment of fundamental rights.

Conclusion: The legal effectiveness of e-government depends on enforceable statutory safeguards, independent institutional oversight, effective personal data protection, and equal access to public services, including accessible mechanisms for administrative redress. Strengthening these guarantees could advance administrative justice, public accountability, and good governance while ensuring that digital transformation contributes to the substantive protection of citizens' rights rather than merely modernizing administrative procedures.

Cite this article as: *Al-Makhsousi, A & Alamian, A. A. "A Comparative Analysis of the Legal Implications of E-Government for Administrative Transparency and Accountability in the Legal Systems of Iran and Iraq in Light of Human Rights Principles". 2026.*

پژوهش های فقهی حقوق بشر
Jurisprudential Research on Human Rights

دورۀ سوم، شمارۀ سوم، پاییز ۱۴۰۵

تحلیل تطبیقی آثار حقوقی دولت الکترونیک بر شفافیت و پاسخگویی اداری در نظام‌های حقوقی ایران، عراق و آموزه های حقوق بشر

ایسر جواد کاظم المکصوصی [۱]، علی‌اصغر عالمیان [۲*]

۱. گروه حقوق، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران.

۲. گروه حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۲۶۹-۲۵۱

سابقۀ مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۵/۰۳/۱۲

تاریخ اصلاح: ۱۴۰۵/۰۳/۲۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۴/۲۶

تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۷/۰۱

واژگان کلیدی:

دولت الکترونیک، حقوق بشر، شفافیت اداری، پاسخگویی حقوقی، عدالت اداری.

نویسندۀ مسئول:

علی‌اصغر عالمیان

آدرس پستی:

ایران، اصفهان، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، گروه حقوق.

کد ارکید:

۰۰۰۰-۰۰۰۳-۲۲۶۶-۶۷۲x

پست الکترونیک:

1819204707@iau.ac.ir

چکیده

زمینه و هدف: توسعه دولت الکترونیک به‌عنوان یکی از تحولات بنیادین حقوق عمومی، موجب بازتعریف روابط حقوقی دولت و شهروندان و تحول در سازوکارهای شفافیت و پاسخگویی اداری شده است. پژوهش حاضر با هدف تحلیل تطبیقی آثار حقوقی دولت الکترونیک بر شفافیت و پاسخگویی اداری در نظام‌های حقوقی ایران و عراق، با تأکید بر اصول حقوق بشر، انجام شده است.

مواد و روش‌ها: پژوهش از نظر هدف، کاربردی و از حیث روش، توصیفی ـتحلیلی و تطبیقی است. داده‌ها از طریق مطالعات کتابخانه‌ای و بررسی اسناد قانونی، مقررات اداری و منابع حقوقی دو کشور گردآوری و با رویکرد تحلیل محتوای حقوقی ارزیابی شده‌اند.

ملاحظات اخلاقی: اصول امانت‌داری علمی، استناددهی معتبر، رعایت حقوق پدیدآورندگان و پرهیز از تحریف منابع رعایت شده است.

یافته‌ها: نتایج نشان می‌دهد نظام حقوقی ایران، به‌ویژه با تصویب قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات و توسعه سامانه‌های الکترونیکی ثبت و پیگیری شکایات، از ظرفیت قانونی و نهادی منسجم‌تری برای تحقق شفافیت و پاسخگویی برخوردار است. در مقابل، نظام حقوقی عراق به‌رغم شناسایی برخی اصول حقوق شهروندی در قانون اساسی، با فقدان چارچوب قانونی جامع، ضعف ضمانت اجراهای اداری و ناهماهنگی نهادی مواجه است. با این حال، در هر دو کشور، کاستی‌های حمایت از داده‌های شخصی، تضمین حریم خصوصی و دسترسی برابر به خدمات دیجیتال، تحقق کامل حقوق بنیادین شهروندان را محدود می‌سازد.

نتیجه: اثربخشی حقوقی دولت الکترونیک مستلزم تقویت ضمانت اجراهای قانونی، نظارت نهادی مستقل، حمایت مؤثر از اطلاعات شخصی و تضمین برابری شهروندان است. تحقق این الزامات می‌تواند زمینه ارتقاء عدالت اداری، پاسخگویی عمومی و حکمرانی مطلوب را فراهم سازد.

© تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به انجمن علمی حقوق بشر اسلامی ایران می‌باشد.

۱. مقدمه

تحولات شتابان فناوری اطلاعات و ارتباطات در دهه‌های اخیر، تأثیرات عمیقی بر ساختارهای حقوقی و شیوه اعمال حاکمیت دولت‌ها بر جای گذاشته است. در این میان، دولت الکترونیک به‌عنوان یکی از مهم‌ترین جلوه‌های تحول دیجیتال، علاوه بر تسهیل ارائه خدمات عمومی، از منظر حقوق بشر و حقوق شهروندی نیز اهمیت ویژه‌ای یافته است؛ زیرا نحوه استفاده دولت‌ها از فناوری‌های نوین می‌تواند بر تحقق حقوق بنیادین انسان، از جمله حق دسترسی به اطلاعات، حق برخورداری از خدمات عمومی برابر، حفظ حریم خصوصی، امنیت اطلاعات و حق مشارکت در امور عمومی تأثیر مستقیم داشته باشد. بنابراین، دولت الکترونیک صرفاً یک ابزار فناورانه نیست، بلکه پدیده‌ای حقوقی است که رابطه دولت و شهروند را بازتعریف کرده و می‌تواند زمینه‌ساز تقویت شفافیت، پاسخگویی، عدالت و حمایت از حقوق اشخاص باشد (قادری، ۱۳۹۸، ۴۲).

از منظر حقوق بشر، استقرار دولت الکترونیک زمانی واجد آثار مثبت و قابل دفاع است که با رعایت اصول بنیادینی همچون برابری و عدم تبعیض، احترام به حریم خصوصی، حق دسترسی آزاد به اطلاعات و تضمین امکان اعتراض و پیگیری تصمیمات اداری همراه باشد. به عبارت دیگر، دیجیتالی‌شدن خدمات عمومی نباید موجب محرومیت گروه‌های فاقد دسترسی به فناوری یا نقض حقوق اشخاص در نتیجه جمع‌آوری و پردازش داده‌های شخصی شود. همچنین، انتقال خدمات دولتی به بستر دیجیتال نباید اصول قانونی‌بودن تصمیمات اداری، حمایت از حقوق شهروندان و امکان نظارت بر عملکرد نهادهای عمومی را تضعیف کند (نصیری، ۱۳۹۹، ۲۷). از این منظر، حکمرانی دیجیتال می‌تواند در صورت برخورداری از تضمین‌های حقوقی و نظارتی مناسب، ابزاری برای مقابله با فساد، افزایش اعتماد عمومی و حمایت مؤثرتر از حقوق و آزادی‌های شهروندان باشد (کاظمی، ۱۳۹۸، ۶۳).

در جمهوری اسلامی ایران، توجه به دولت الکترونیک از اوایل دهه ۱۳۸۰ و در چارچوب برنامه‌های توسعه‌ای کشور آغاز شد. تصویب قانون تجارت الکترونیکی در سال ۱۳۸۲، قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات در سال ۱۳۸۸ و آیین‌نامه توسعه دولت الکترونیک مصوب ۱۳۹۵، از جمله اقدامات حقوقی مؤثر در ایجاد بسترهای قانونی تعاملات دیجیتال و تسهیل دسترسی شهروندان به اطلاعات و خدمات عمومی محسوب می‌شوند (صفری، ۱۳۹۸، ۹۱). با وجود این، چالش‌هایی نظیر ناهماهنگی نهادی، ضعف در حفاظت از داده‌های شخصی، خلأهای قانونی در زمینه مسئولیت اداری و نابرابری در دسترسی به خدمات دیجیتال، همچنان می‌توانند تحقق کامل حقوق شهروندی و تضمین پاسخگویی دولت را با محدودیت مواجه سازند (حسینی، ۱۴۰۱، ۸۷).

در عراق نیز پس از سال ۲۰۰۳، هم‌زمان با تلاش برای بازسازی ساختارهای حکومتی و اداری، برنامه‌هایی برای استقرار دولت الکترونیک با مشارکت وزارت ارتباطات، دبیرخانه شورای وزیران و همکاری نهادهای بین‌المللی تدوین شد (وزارهٔ

الاتصالات العراقیة، ۲۰۱۹، ۳۱؛ ۲۰۲۳: ۴۵). با این حال، ضعف زیرساخت‌های فنی، فقدان چارچوب قانونی جامع، محدودیت آموزش نیروی انسانی و ناکارآمدی سازوکارهای نظارتی، روند تحقق دولت دیجیتال را با مشکلاتی مواجه کرده است (عبدالله، ۲۰۲۲، ۵۳). این شرایط، علاوه بر محدودکردن کارآمدی خدمات عمومی، می‌تواند بر امکان بهره‌مندی برابر شهروندان از خدمات دولتی، دسترسی به اطلاعات و برخورداری از تضمین‌های مؤثر حقوقی تأثیر بگذارد.

مقایسه ایران و عراق نشان می‌دهد که هر دو کشور، با وجود اشتراکات فرهنگی، حقوقی و ساختار اداری نسبتاً مشابه، از نظر ظرفیت‌های قانونی، زیرساخت‌های فناوری و میزان تحقق دولت الکترونیک وضعیت متفاوتی دارند. در ایران، توسعه نسبی قوانین و سامانه‌های الکترونیکی، امکان گسترش دسترسی به اطلاعات و دیجیتالی‌شدن بخشی از خدمات عمومی را فراهم کرده است؛ با این حال، ضعف ضمانت اجراها و کاستی‌های مربوط به حمایت از داده‌های شخصی همچنان مطرح است. در عراق نیز فقدان انسجام قانونی، ناهماهنگی نهادی و محدودیت‌های اجرایی، تحقق عملی حقوق شهروندان در بستر دیجیتال را با چالش روبه‌رو ساخته است (الشمری، ۲۰۲۲، ۶۴۹؛ وزارة العدل العراقیة، ۲۰۲۲، ۹۲). از این‌رو، بررسی تطبیقی دو کشور می‌تواند زمینه شناسایی ظرفیت‌ها و موانع حقوقی حمایت از شهروندان در فرایند دیجیتالی‌شدن نظام اداری را فراهم آورد.

بر این اساس، مسئله اصلی پژوهش حاضر بررسی آثار حقوقی دولت الکترونیک بر شفافیت و پاسخگویی با تأکید بر حمایت از حقوق بشر و حقوق شهروندی در نظام‌های حقوقی ایران و عراق است. پرسش اساسی آن است که دولت الکترونیک تا چه اندازه توانسته است زمینه تحقق حق دسترسی به اطلاعات، برابری در بهره‌مندی از خدمات عمومی، حفظ حریم خصوصی و پاسخگویی نهادهای دولتی را در دو کشور فراهم سازد و چه موانع قانونی و نهادی در این مسیر وجود دارد؟

پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی و رویکرد تطبیقی، از طریق بررسی قوانین، مقررات، اسناد رسمی و منابع حقوقی مرتبط، به تحلیل وجوه اشتراک و افتراق دو نظام حقوقی می‌پردازد. هدف نهایی آن، تبیین الزامات حقوقی استقرار دولتی دیجیتال است که ضمن ارتقاء شفافیت و پاسخگویی، کرامت انسانی، حقوق بنیادین و آزادی‌های شهروندان را نیز تضمین کند.

۲. مواد و روش‌ها

پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و از نظر ماهیت و روش، توصیفی-تحلیلی و تطبیقی است. مواد پژوهش شامل قوانین و مقررات مرتبط با دولت الکترونیک، قانون اساسی، اسناد و برنامه‌های اجرایی، گزارش‌های رسمی نهادهای دولتی و منابع علمی و حقوقی منتشرشده در نظام‌های حقوقی ایران و عراق است. اطلاعات مورد نیاز از طریق مطالعه کتابخانه‌ای و بررسی اسنادی گردآوری شده و با روش تحلیل محتوای حقوقی مورد ارزیابی قرار گرفته است. در این راستا، ابتدا مبانی نظری و مفهومی دولت الکترونیک و ارتباط آن با اصول حقوق عمومی و حقوق بشر بررسی شده و سپس آثار حقوقی آن در زمینه تغییر ساختار اداری،

شفافیت، پاسخگویی و عدالت اداری در هر یک از دو کشور مورد تحلیل قرار گرفته است. در مرحله بعد، با استفاده از روش مقایسه تطبیقی، وجوه اشتراک و افتراق دو نظام حقوقی، ظرفیت‌های قانونی و موانع اجرایی آن‌ها شناسایی شده است.

۳. ملاحظات اخلاقی

در تمامی مراحل پژوهش، اصول اخلاق در تحقیقات علمی، از جمله امانت‌داری، رعایت حقوق پدیدآورندگان آثار، استناد دقیق به منابع و پرهیز از تحریف یا برداشت نادرست از اسناد و اطلاعات رعایت شده است.

۴. یافته‌ها

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که دولت الکترونیک در ایران، به دلیل برخورداری از چارچوب قانونی منسجم‌تر، توسعه نسبی زیرساخت‌های الکترونیکی و شکل‌گیری سامانه‌های دسترسی به اطلاعات و ثبت شکایات، در زمینه تحقق شفافیت و پاسخگویی اداری نسبت به عراق از پیشرفت اجرایی بیشتری برخوردار است. در مقابل، در عراق، ضعف زیرساخت‌های فنی، فقدان چارچوب قانونی جامع، ناهماهنگی نهادی و محدودیت ضمانت اجراها، مانع تحقق کامل اهداف دولت الکترونیک شده است. همچنین، یافته‌ها بیانگر آن است که در هر دو کشور، تحقق کامل آثار حقوقی دولت الکترونیک با چالش‌هایی همچون ضعف حفاظت از داده‌های شخصی، ضرورت تضمین حریم خصوصی، محدودیت دسترسی برابر شهروندان به خدمات الکترونیکی و ناکافی‌بودن برخی سازوکارهای نظارتی مواجه است. بر این اساس، توسعه دولت الکترونیک صرفاً به ایجاد سامانه‌های فناوری وابسته نیست، بلکه مستلزم استقرار تضمین‌های قانونی و نهادی برای حمایت مؤثر از حقوق بشر و حقوق شهروندی است.

۵. بحث

در بخش بحث، ابتدا مبانی نظری و مفهومی دولت الکترونیک و ارتباط آن با حقوق عمومی، حقوق بشر و اصول حکمرانی مطلوب تبیین می‌شود. سپس تأثیر استقرار دولت الکترونیک بر ساختار اداری و تحول در شیوه ارائه خدمات عمومی در ایران و عراق بررسی خواهد شد. در ادامه، آثار حقوقی این پدیده در چهار محور اصلی شامل شفافیت اداری، پاسخگویی حقوقی، عدالت اداری و حمایت از حقوق شهروندان تحلیل می‌شود. در محور شفافیت، میزان دسترسی شهروندان به اطلاعات عمومی، سازوکار انتشار اطلاعات و امکان نظارت بر عملکرد نهادهای دولتی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

در محور پاسخگویی، نقش سامانه‌های الکترونیکی در ثبت و پیگیری شکایات، نظارت بر تصمیمات اداری و مسئولیت‌پذیری دستگاه‌های اجرایی ارزیابی می‌شود. همچنین، در بررسی عدالت اداری، تأثیر خدمات الکترونیکی بر برابری شهروندان در دسترسی به خدمات عمومی، کاهش تبعیض و جلوگیری از محرومیت گروه‌های فاقد امکانات فناوری مورد توجه قرار می‌گیرد. افزون بر این، تأثیر توسعه دولت الکترونیک بر حمایت از حریم خصوصی و امنیت اطلاعات شخصی و ضرورت ایجاد تعادل میان حق دسترسی به اطلاعات و حق برخورداری از حریم خصوصی بررسی خواهد شد. در نهایت، با مقایسه چارچوب‌های قانونی، ظرفیت‌های اجرایی و موانع نهادی دو کشور، دلایل تفاوت در

میزان تحقق اهداف دولت الکترونیک تحلیل و الزامات حقوقی و اجرایی لازم برای تقویت شفافیت، پاسخگویی، عدالت اداری و حمایت مؤثر از حقوق بشر و حقوق شهروندی در هر دو نظام حقوقی تبیین می‌شود.

۵-۱. مبانی نظری و مفهومی دولت الکترونیک

تبیین جایگاه دولت الکترونیک در نظام‌های حقوقی، مستلزم شناخت مبانی نظری و مفهومی آن و بررسی ارتباط این پدیده با اصول بنیادین حقوق عمومی و حقوق بشر است. دولت الکترونیک را نمی‌توان صرفاً به‌عنوان ابزاری فناورانه برای ارائه خدمات اداری تلقی کرد، بلکه باید آن را تحولی در شیوه اعمال حاکمیت، سازوکارهای تصمیم‌گیری عمومی و رابطه حقوقی میان دولت و شهروندان دانست. این تحول، در صورت استقرار بر مبنای حاکمیت قانون و تضمین حقوق بنیادین اشخاص، می‌تواند زمینه ارتقاء شفافیت، پاسخگویی، مشارکت شهروندی و عدالت اداری را فراهم سازد (نصیری، ۱۳۹۹، ۲۷؛ قادری، ۱۳۹۸، ۴۲). از این منظر، بررسی مبانی نظری دولت الکترونیک نه‌تنها برای درک ماهیت و اهداف آن اهمیت دارد، بلکه امکان ارزیابی آثار حقوقی آن بر حقوق شهروندان، به‌ویژه حق دسترسی به اطلاعات، برابری در برخورداری از خدمات عمومی و حمایت از حریم خصوصی را نیز فراهم می‌کند. بر همین اساس، در این بخش ابتدا مفهوم و ماهیت دولت الکترونیک و سپس مبانی نظری و اصول حقوقی حاکم بر آن بررسی می‌شود تا چارچوب مفهومی لازم برای تحلیل تطبیقی آثار آن در نظام‌های حقوقی ایران و عراق شکل گیرد.

۵-۱-۱. مفهوم دولت الکترونیک و حکمرانی خوب

مفهوم دولت الکترونیک در بستر تحولات نظری حکمرانی عمومی و حقوق اداری شکل گرفته است. از دیدگاه حقوق عمومی، دولت همواره به عنوان مرجع تصمیم‌گیری و ارائه خدمات عمومی شناخته می‌شود و مشروعیت آن در گرو رعایت اصول پاسخگویی، شفافیت، عدالت و حاکمیت قانون است. در عصر فناوری اطلاعات، تحقق این اصول مستلزم بهره‌گیری از ابزارهای دیجیتال و سازوکارهای هوشمند است که امکان کنترل و نظارت مستمر بر تصمیمات اداری را فراهم می‌سازد (نصیری، ۱۳۹۹، ۲۷). دولت الکترونیک از این منظر، نه صرفاً ابزار تسهیل خدمات، بلکه تجلی نوینی از حکمرانی قانون‌مدار و پاسخگو در نظام‌های دموکراتیک و شبه‌دموکراتیک است.

از نظر مفهومی، دولت الکترونیک را می‌توان نظامی دانست که در آن فعالیت‌ها، تصمیم‌گیری‌ها و تعاملات اداری از طریق فناوری‌های دیجیتال و شبکه‌ای انجام می‌گیرد و هدف آن افزایش شفافیت، کارآمدی، مشارکت مردمی و عدالت در ارائه خدمات عمومی است (قادری، ۱۳۹۸، ۴۲). این مفهوم به‌تدریج از دهه ۱۹۹۰ میلادی وارد ادبیات حکمرانی شد و با تصویب گزارش‌های سازمان ملل متحد درباره شاخص توسعه دولت الکترونیک، به عنوان یکی از شاخص‌های کلیدی توسعه پایدار معرفی گردید.

دولت الکترونیک در اساس بر سه محور استوار است: شفافیت در فرآیند تصمیم‌گیری، دسترسی آزاد به اطلاعات و پاسخگویی نهادهای عمومی در

برابر شهروندان (کاظمی، ۱۳۹۸، ۶۳). در نظریه‌های حقوقی، دولت الکترونیک به عنوان «بازآفرینی دولت در بستر فناوری اطلاعات» تعریف می‌شود؛ مفهومی که بر آن است تا دولت سنتی مبتنی بر بروکراسی و کاغذبازی را به دولت دیجیتال مبتنی بر داده و ارتباطات هوشمند تبدیل کند (حسینی، ۱۴۰۱، ۸۷). در این چارچوب، شهروند دیگر تنها مخاطب تصمیمات دولت نیست، بلکه به بازیگر فعال در فرآیند نظارت و ارزیابی عملکرد دولت تبدیل می‌شود (صفری، ۱۳۹۸، ۹۱). از منظر نظریه حکمرانی خوب، دولت الکترونیک یکی از ابزارهای کلیدی برای تحقق اصول حکمرانی مطلوب از جمله شفافیت، پاسخگویی، مشارکت شهروندی، اثربخشی و عدالت است (منظمة الأمم المتحدة، ۲۰۱۸، ۵۷).

این نظریه که در دهه‌های اخیر مبنای بسیاری از اصلاحات اداری در کشورهای در حال توسعه قرار گرفته است، بر تعامل فعال میان دولت و جامعه تأکید دارد. در این چارچوب، دولت الکترونیک به عنوان ابزاری برای کاهش فاصله میان دولت و مردم و تقویت اعتماد عمومی به نهادهای حاکمیتی مطرح می‌شود. در نظام حقوقی ایران، دولت الکترونیک بر پایه اصول مندرج در قانون اساسی به‌ویژه اصول سوم، نوزدهم و بیستم که بر عدالت، آزادی و برابری در برخورداری از خدمات عمومی تأکید دارند، قابل تحلیل است. همچنین، اصل شفافیت و پاسخگویی اداری از الزامات ذاتی حاکمیت قانون در حقوق عمومی ایران به‌شمار می‌رود. قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات مصوب ۱۳۸۸ نیز به‌عنوان یکی از دستاوردهای مهم در مسیر تحقق دولت الکترونیک، دستگاه‌های دولتی را موظف کرده است تا اطلاعات عمومی خود را به صورت شفاف و الکترونیکی در اختیار مردم قرار دهند (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۴۰۰، ۲۴۳). این قانون از حیث ماهیت، تجلی عملی اصل شفافیت در ساختار حقوقی کشور است.

۵-۱-۲. مبانی نظری دولت الکترونیک در عراق

در عراق، مبانی نظری دولت الکترونیک بر پایه اصول مندرج در قانون اساسی سال ۲۰۰۵ استوار است که بر حقوق شهروندی، آزادی بیان و دسترسی برابر به خدمات عمومی تأکید دارد (وزارة العدل العراقية، ۲۰۲۲، ۹۲). این قانون اساسی ضمن تضمین حق مشارکت شهروندان در فرآیندهای حکمرانی، زمینه لازم برای ایجاد نهادهای پاسخگو را فراهم ساخته است. دولت عراق با همکاری سازمان‌های بین‌المللی از جمله برنامه توسعه سازمان ملل متحد (UNDP) و اتحادیه بین‌المللی مخابرات (ITU) تلاش کرده است تا اصول دولت الکترونیک را در قالب چارچوبی حقوقی و اجرایی پیاده‌سازی کند (وزارة الاتصالات العراقية، ۲۰۱۹، ۳۱). با این حال، نبود قانون خاصی که الزامات شفافیت دیجیتال و مسئولیت نهادی را تعیین کند، مانع از اجرای مؤثر این اصول شده است.

در نظریه‌های حقوق تطبیقی، دولت الکترونیک به‌عنوان حلقه پیوند میان «حاکمیت قانون» و «فناوری دیجیتال» مطرح می‌شود. از دیدگاه حقوق‌دانان معاصر، تحقق دولت الکترونیک موفق مستلزم وجود چهار پیش‌شرط است: وجود چارچوب قانونی شفاف، امنیت داده‌ها و حریم خصوصی، آموزش و توانمندسازی کارگزاران دولتی

و فرهنگ حقوقی مشارکتی میان دولت و مردم (خلیلی، ۱۳۹۵؛ دقتی و همکاران، ۱۴۰۰). هر یک از این مؤلفه‌ها، نقشی اساسی در شکل‌گیری محیط حقوقی مناسب برای توسعه دولت الکترونیک ایفا می‌کند. در غیاب هر یک از آن‌ها، دولت دیجیتال به جای ابزار عدالت و پاسخگویی، ممکن است به وسیله‌ای برای تمرکز قدرت و گسترش نابرابری تبدیل شود.

۵-۱-۳. حق دسترسی به اطلاعات و تغییر پارادایم اداری

افزون بر این، مبانی نظری دولت الکترونیک با مفهوم «حق دسترسی به اطلاعات» پیوندی مستقیم دارد. این حق که از حقوق بنیادین بشر در اسناد بین‌المللی به‌شمار می‌رود، شرط تحقق شفافیت و مشارکت عمومی در تصمیم‌گیری‌های دولتی است. در هر دو کشور ایران و عراق، تلاش‌هایی برای تقنین و اجرای این حق انجام شده است؛ با این تفاوت که در ایران، این حق در قالب قانون مصوب مجلس نهادینه شده، در حالی که در عراق بیشتر در حد توصیه و برنامه اجرایی باقی مانده است (عبدالله، ۲۰۲۲، ۵۳).

از منظر نظریه عدالت اداری نیز، دولت الکترونیک ابزاری برای تحقق توازن میان قدرت دولت و حقوق شهروندان است. هنگامی که تصمیمات اداری از طریق سامانه‌های شفاف، قابل پیگیری و دیجیتال اتخاذ می‌شوند، امکان بروز فساد و سوءاستفاده از قدرت کاهش یافته و اعتماد عمومی افزایش می‌یابد. (کریم‌زاده، ۱۳۹۹، ۵۶). بنابراین، مبانی نظری دولت الکترونیک بر ترکیب اصول حقوق عمومی، عدالت اداری و فناوری استوار است. دولت الکترونیک زمانی می‌تواند اثربخش باشد که چارچوب‌های قانونی و نهادی آن با اصول شفافیت، پاسخگویی و عدالت هماهنگ شود. در غیر این صورت، فناوری صرف نمی‌تواند جایگزین حاکمیت قانون و مسئولیت‌پذیری شود. به همین دلیل، تحلیل تطبیقی آثار حقوقی دولت الکترونیک در ایران و عراق ضرورتی علمی و کاربردی دارد تا بتواند بر اساس واقعیت‌های نهادی و فرهنگی هر کشور، الگوی مناسبی برای حکمرانی دیجیتال پیشنهاد دهد.

دولت الکترونیک در مفهوم مدرن خود، تنها به معنای دیجیتالی‌سازی فرایندها و خدمات نیست، بلکه نماد تغییر پارادایم در نحوه اداره امور عمومی و رابطه دولت و مردم است. این تحول، از دیدگاه حقوق عمومی، بیانگر گذار از الگوی سنتی دولت اقتدارمحور به الگوی دولت خدمت‌محور و شبکه‌ای است که در آن اصل شفافیت، کارآمدی و پاسخگویی جایگزین سلسله‌مراتب دیوان‌سالارانه می‌شود (نصیری، ۱۳۹۹، ۲۷). در ایران، اصلاح ساختار اداری بر مبنای فناوری اطلاعات نخستین‌بار در دهه ۱۳۷۰ و با تصویب «طرح جامع فناوری اطلاعات» در شورای عالی اطلاع‌رسانی آغاز شد. سپس، در سال ۱۳۸۱ «شورای عالی اطلاع‌رسانی» و «شورای عالی فناوری اطلاعات» به‌عنوان نهادهای سیاست‌گذار در حوزه دولت الکترونیک تشکیل شدند. این تحولات در راستای تحقق مفاد بند ۶ اصل سوم قانون اساسی مبنی بر رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه‌ی مردم بود. دولت وقت با راه‌اندازی «پرتال ملی دولت» و «درگاه ملی خدمات دولت هوشمند» تلاش کرد تا

بخشی از وظایف دستگاه‌های اجرایی را به فضای مجازی منتقل کند (کاظمی، ۱۳۹۸، ۶۳).

۵-۲. دولت الکترونیک و تغییر ساختار اداری

استقرار دولت الکترونیک موجب تحول اساسی در ساختار سنتی نظام اداری و شیوه ارائه خدمات عمومی شده است. این تحول صرفاً به استفاده از فناوری‌های نوین در فعالیت‌های دستگاه‌های اجرایی محدود نمی‌شود، بلکه بازنگری در ساختار سازمانی، فرایندهای اداری، شیوه تصمیم‌گیری و نحوه ارتباط دولت با شهروندان را نیز در بر می‌گیرد. در واقع، دولت الکترونیک با کاهش وابستگی به تشریفات کاغذی و مراجعات حضوری، زمینه حرکت از نظام اداری متمرکز و دیوان‌سالار به سوی ساختاری شفاف‌تر، کارآمدتر و پاسخگوتر را فراهم می‌سازد (نصیری، ۱۳۹۹، ۲۷).

از منظر حقوق بشر و حقوق شهروندی نیز، این دگرگونی زمانی اهمیت اساسی پیدا می‌کند که به تسهیل دسترسی برابر افراد به خدمات عمومی، کاهش تبعیض‌های اداری و تقویت امکان نظارت شهروندان بر عملکرد نهادهای دولتی منجر شود. با این حال، دیجیتالی‌شدن ساختار اداری بدون پیش‌بینی تضمین‌های قانونی، نظارت مؤثر و حمایت از حقوق اشخاص نمی‌تواند به‌تنهایی موجب تحقق عدالت اداری شود. بر همین اساس، بررسی تأثیر دولت الکترونیک بر تغییر ساختار اداری در ایران و عراق، مستلزم توجه به ابعاد نهادی، سازمانی و حقوقی این تحول و ارزیابی نقش آن در ارتقاء شفافیت، پاسخگویی و حمایت از حقوق شهروندان است (کاظمی، ۱۳۹۸، ۶۳).

۵-۲-۱. تحول ساختار اداری در ایران

تغییر ساختار اداری در ایران از دو بعد قابل بررسی است: نخست، بعد نهادی و سازمانی که شامل اصلاح چارت اداری، تمرکززدایی و ایجاد نهادهای جدید دیجیتال است؛ و دوم، بعد فرایندی و حقوقی که به بازنگری در شیوه تصمیم‌گیری و نحوه ارائه خدمات عمومی مربوط می‌شود. در بُعد نهادی، تشکیل سازمان فناوری اطلاعات ایران، مرکز ملی فضای مجازی و کمیسیون توسعه دولت الکترونیک از مهم‌ترین اقدامات در جهت هماهنگی دستگاه‌ها بوده است. در بعد حقوقی نیز، تصویب قوانینی چون «قانون تجارت الکترونیکی» (۱۳۸۲)، «قانون جرایم رایانه‌ای» (۱۳۸۸) و «قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات» (۱۳۸۸) زمینه‌ی قانونی لازم برای تغییر فرایندها را فراهم کرد (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۴۰۰، ۲۴۳).

با اجرای این برنامه‌ها، نظام اداری ایران از ساختار سنتی مبتنی بر مکاتبات کاغذی و مراجعه حضوری به سوی ساختار الکترونیکی مبتنی بر تبادل داده حرکت کرده است. نتیجه‌ی این تحول، کاهش هزینه‌های اداری، کوتاه شدن زنجیره تصمیم‌گیری و تسریع در ارائه خدمات عمومی بوده است. به عنوان نمونه، سامانه‌های «پنجره واحد کسب‌وکار»، «درگاه ملی مجوزها» و «سامانه ثبت شرکت‌ها» فرآیندهای طولانی و مستعد فساد را به عملیات چند دقیقه‌ای تبدیل کرده‌اند (احمدی، ۱۴۰۱، ۵۳). از منظر حقوقی، این تحول را می‌توان مصداقی از تحقق اصول «برابری اداری» و «عدالت در دسترسی به خدمات» دانست که در قانون اساسی مورد تأکید قرار گرفته است.

۵-۲-۲. تحول ساختار اداری در عراق

در عراق، تحول ساختار اداری در پرتو دولت الکترونیک مسیری متفاوت و پرچالش‌تر داشته است. این کشور تا سال ۲۰۰۳ تحت نظام سیاسی بسته و تمرکزگرای رژیم بعث اداره می‌شد و پس از آن، با بحران‌های امنیتی و نهادی گسترده روبه‌رو شد. با تصویب قانون اساسی جدید در سال ۲۰۰۵، فصل جدیدی از اصلاحات حکمرانی آغاز گردید. اصل ۲۷ قانون اساسی عراق بر ضرورت شفافیت، کارآمدی و پاسخگویی در اداره امور عمومی تأکید دارد، اما نبود زیرساخت فناوری اطلاعات و ضعف نهادهای اجرایی موجب شد این اصل در عمل به‌طور کامل اجرا نشود (وزارة العدل العراقیة، ۲۰۲۲، ۹۲).

از سال ۲۰۱۶ به بعد، دولت عراق با همکاری سازمان ملل متحد و اتحادیه بین‌المللی مخابرات (ITU) پروژه‌ای تحت عنوان «الحکومة الالکترونیة الوطنیة» را آغاز کرد که هدف آن دیجیتالی‌سازی تدریجی خدمات عمومی بود. «وزارة الاتصالات العراقیة» در سند «الاستراتیجیة الوطنیة للحکومة الالکترونیة» (۲۰۱۹) به صراحت اعلام کرد که هدف اصلی از این طرح، بازسازی ساختار اداری، کاهش فساد و افزایش کارایی در تعاملات دولت و مردم است (وزارة الاتصالات العراقیة، ۲۰۱۹، ۳۱). با این وجود، در غیاب چارچوب‌های قانونی الزام‌آور، بسیاری از وزارتخانه‌ها همچنان به شیوه سنتی فعالیت می‌کنند.

۵-۲-۳. تحلیل تطبیقی ساختار اداری

در تحلیل تطبیقی، تفاوت بنیادین ایران و عراق در میزان نهادمندی ساختار دولت الکترونیک است. ایران با تکیه بر قوانین مصوب و برنامه‌های توسعه پنج‌ساله، ساختارهای حقوقی نسبتاً منسجمی را برای دیجیتالی‌سازی دولت ایجاد کرده است. در مقابل، عراق هنوز در مرحله تدوین سیاست‌ها و آزمایش سامانه‌های محدود قرار دارد. با این حال، هر دو کشور با چالش‌های مشترکی مواجه‌اند؛ از جمله مقاومت نهادهای سنتی، کمبود منابع انسانی متخصص و ضعف در امنیت سایبری (عبدالرحمن، ۲۰۲۲، ۲۱).

از منظر حقوق عمومی، تغییر ساختار اداری ناشی از دولت الکترونیک تنها زمانی مشروع و پایدار است که بر پایه قانون، نظارت قضایی و حقوق شهروندی استوار باشد. در غیر این صورت، دیجیتالی‌سازی صرف ممکن است به تمرکز بیشتر قدرت در دست دولت بینجامد و حقوق افراد را تضعیف کند. بنابراین، اصلاح ساختار اداری در ایران و عراق باید با اصلاح قوانین اداری، شفافیت در فرایندها و تضمین حق دسترسی آزاد به اطلاعات همراه گردد تا ماهیت دموکراتیک و پاسخگو پیدا کند (حسینی، ۱۴۰۱، ۸۷).

۵-۳. دولت الکترونیک و شفافیت اداری

شفافیت اداری یکی از مهم‌ترین الزامات حکمرانی مطلوب و از مؤلفه‌های اساسی حمایت از حقوق بشر و حقوق شهروندی است که بر دسترسی شهروندان به اطلاعات عمومی، امکان نظارت بر عملکرد نهادهای دولتی و آگاهی از فرایند تصمیم‌گیری‌های اداری تأکید دارد. دولت الکترونیک با بهره‌گیری از فناوری‌های اطلاعاتی و ایجاد سامانه‌های دیجیتال، زمینه انتشار اطلاعات عمومی، دسترسی آسان‌تر شهروندان به اسناد و تصمیمات اداری و کاهش

زمینه‌های فساد و سوءاستفاده از قدرت را فراهم می‌سازد (قادری، ۱۳۹۸، ۶۴). از این منظر، شفافیت دیجیتال نه‌تنها ابزاری برای ارتقاء کارآمدی دستگاه‌های اجرایی است، بلکه با حق دسترسی به اطلاعات، مشارکت عمومی و مسئولیت‌پذیری دولت در برابر شهروندان ارتباط مستقیم دارد. با این حال، تحقق شفافیت اداری مستلزم وجود قوانین الزام‌آور، سازوکارهای نظارتی مؤثر و ایجاد تعادل میان دسترسی عمومی به اطلاعات و ضرورت حفاظت از حریم خصوصی و داده‌های شخصی است (نصیری، ۱۳۹۹، ۲۸۴). در همین راستا، بررسی تجربه ایران و عراق نشان می‌دهد که تفاوت در چارچوب‌های قانونی، زیرساخت‌های دیجیتال و عملکرد نهادهای نظارتی، بر میزان تحقق شفافیت اداری در دو کشور تأثیرگذار بوده است؛ موضوعی که بررسی تطبیقی آن می‌تواند ابعاد حقوقی و حقوق بشری دولت الکترونیک را روشن‌تر سازد.

۵-۳-۱. مفهوم شفافیت و تجربه ایران

یکی از بارزترین آثار دولت الکترونیک، گسترش شفافیت در نظام حکمرانی است. شفافیت در معنای حقوقی، به معنای قابلیت مشاهده و ارزیابی اقدامات دولت توسط شهروندان و نهادهای نظارتی است. از دیدگاه نظریه حکمرانی خوب، شفافیت شرط لازم پاسخگویی، کنترل فساد و ارتقاء اعتماد عمومی به نهادهای حاکمیتی است (قادری، ۱۳۹۸، ۶۴). در ایران، مفهوم شفافیت اداری از اوایل دهه ۱۳۸۰ با تصویب «قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات» وارد نظام حقوقی شد. این قانون یکی از نقاط عطف در راستای تحقق دولت الکترونیک محسوب می‌شود، زیرا دستگاه‌های دولتی را مکلف می‌کند که اطلاعات عمومی خود، از جمله قراردادها، بودجه‌ها و آیین‌نامه‌ها را در دسترس عموم قرار دهند. ماده ۵ این قانون تصریح می‌کند که «هر شخص ایرانی حق دارد به اطلاعات عمومی موجود در نهادهای عمومی دسترسی داشته باشد، مگر آن‌که قانون منع کرده باشد» (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۴۰۰، ۲۴۳). این ماده در واقع، مبنای حقوقی شفافیت دیجیتال را شکل داده است.

اجرای این قانون با راه‌اندازی «سامانه دسترسی آزاد به اطلاعات» در سال ۱۳۹۶ عملیاتی شد. بر اساس آمار رسمی، بیش از ۱۰۰۰ دستگاه اجرایی در این سامانه ثبت شده‌اند و به درخواست‌های مردمی در مورد اطلاعات عمومی پاسخ می‌دهند. افزون بر این، راه‌اندازی «پرتال شفافیت وزارت اقتصاد» و «سامانه بودجه‌ریزی باز» گامی دیگر در راستای تحقق شفافیت دیجیتال در سطح کلان است. این سامانه‌ها به شهروندان اجازه می‌دهند تا جزئیات بودجه‌ها، قراردادها و تخصیص منابع را مشاهده کنند (احمدی، ۱۴۰۱، ۵۳).

در حوزه نظارت اداری، فناوری اطلاعات نقش حیاتی در تقویت شفافیت داشته است. برای مثال، سامانه «ثبت اموال و دارایی مسئولان» که به موجب «قانون رسیدگی به دارایی مقامات» ایجاد شده است، امکان نظارت الکترونیکی بر دارایی مسئولان را فراهم آورده و از ابزارهای مؤثر در پیشگیری از فساد به‌شمار می‌رود. همچنین، با راه‌اندازی «سامانه سوت‌زنی فساد»، شهروندان می‌توانند تخلفات را به صورت ناشناس گزارش دهند. چنین سازوکارهایی، شفافیت را از سطح

نظری به عرصه عملی و تعاملی وارد کرده‌اند (صفری، ۱۳۹۸، ۹۱).

۵-۳-۲. شفافیت در نظام حقوقی عراق

در عراق نیز پس از تصویب قانون اساسی جدید (۲۰۰۵)، اصل شفافیت به عنوان یکی از ارکان اداره عمومی مورد توجه قرار گرفت. نهاد «هیئة النزاهة» بر اساس قانون شماره ۳۰ سال ۲۰۱۱ تأسیس شد تا با فساد مالی و اداری مبارزه کند و شفافیت را در عملکرد دولت افزایش دهد. این نهاد مأموریت دارد دارایی مقامات دولتی را رصد و گزارش‌های مربوط به تخلفات را منتشر کند. در سال‌های اخیر، با همکاری سازمان ملل متحد، پورتال «من أین لک هذا؟» ایجاد شد (عبدالله، ۲۰۲۲، ۵۳). تا مقامات موظف به اعلام دارایی‌های خود باشند (وزارة العدل العراقیة، ۲۰۲۲، ۹۲). با وجود این، ضعف در زیرساخت‌های دیجیتال و نبود قانون جامع دسترسی آزاد به اطلاعات، اجرای شفافیت در عراق را دشوار کرده است. نهادهای دولتی عراقی در نبود سامانه‌های متمرکز، همچنان از روش‌های سنتی در تبادل داده استفاده می‌کنند. افزون بر این، عدم وجود ضمانت اجرایی در قانون «هیئة النزاهة» سبب شده است که بسیاری از تخلفات بدون پیگیری باقی بمانند.

۵-۳-۳. مقایسه تطبیقی و راهکارهای نهادینه‌سازی شفافیت

در مقایسه تطبیقی، ایران به دلیل برخورداری از نظام حقوقی منسجم‌تر و سامانه‌های دیجیتال پیشرفته‌تر، توانسته است در نهادینه‌سازی شفافیت الکترونیکی موفق‌تر عمل کند. در مقابل، عراق گرچه در سطح نظری و سیاسی اراده‌ی لازم را دارد، اما در عمل با موانع اجرایی و نهادی متعددی روبه‌روست. شفافیت اداری در دولت الکترونیک نه تنها ابزاری برای مبارزه با فساد است، بلکه یکی از معیارهای مشروعیت دولت در عصر اطلاعات محسوب می‌شود. شهروندان امروز انتظار دارند تصمیمات عمومی، تخصیص بودجه‌ها و قراردادهای دولتی به صورت باز و قابل‌دسترسی منتشر شود. تحقق این انتظار، در گروی تداوم توسعه دولت الکترونیک و اصلاح قوانین ناظر بر اطلاعات عمومی است.

در ایران، با وجود پیشرفت‌های قابل‌توجه، همچنان محدودیت‌هایی در دسترسی به اطلاعات طبقه‌بندی‌شده و محرمانه وجود دارد که گاهی با اصل شفافیت در تعارض قرار می‌گیرد. در عراق نیز فقدان قانون صریح و ضعف در اجرای مقررات سبب شده که اعتماد عمومی نسبت به شفافیت دولت پایین بماند (نصیری، ۱۳۹۹، ۲۸۴). در نتیجه، هر دو کشور برای نهادینه‌سازی شفافیت اداری باید به دو مسیر همزمان توجه کنند: نخست، اصلاح و به‌روزرسانی قوانین مربوط به اطلاعات و داده‌های عمومی؛ و دوم، ایجاد بسترهای دیجیتال امن و قابل اعتماد که ضمن حفظ حریم خصوصی، دسترسی عمومی به داده‌ها را تضمین کند. در غیر این صورت، دولت الکترونیک ممکن است تنها به ابزاری نمایشی برای اصلاحات اداری بدل گردد و نتواند رسالت اصلی خود را که تحقق شفافیت و پاسخگویی واقعی است، به انجام رساند.

۵-۴. دولت الکترونیک و پاسخگویی حقوقی

پاسخگویی حقوقی از اصول بنیادین حاکمیت قانون و یکی از مهم‌ترین تضمین‌های حمایت از حقوق

شهروندان در برابر قدرت عمومی است. این اصل به معنای تعهد نهادهای دولتی به ارائه توضیح و گزارش درباره عملکرد، پذیرش مسئولیت تصمیمات و فراهم‌کردن امکان اعتراض و پیگیری اقدامات اداری است (قادری، ۱۳۹۸، ۷۹). دولت الکترونیک با ایجاد سامانه‌های ثبت شکایات، پیگیری درخواست‌ها، انتشار گزارش‌های عملکرد و تسهیل ارتباط میان شهروندان و دستگاه‌های اجرایی، می‌تواند سازوکارهای سنتی پاسخگویی را متحول ساخته و امکان نظارت مؤثرتر بر عملکرد دولت را فراهم کند (صفری، ۱۳۹۸، ۹۱).

از منظر حقوق بشر، پاسخگویی الکترونیکی علاوه بر تقویت شفافیت و اعتماد عمومی، زمینه حمایت از حق دادخواهی، دسترسی به راهکارهای جبران و جلوگیری از خودسری و سوءاستفاده از اختیارات اداری را فراهم می‌آورد. با این حال، تحقق پاسخگویی مؤثر مستلزم وجود قوانین الزام‌آور، ضمانت اجراهای مناسب، نظارت مستقل و امکان دسترسی برابر شهروندان به سازوکارهای رسیدگی الکترونیکی است (نصیری، ۱۳۹۹، ۲۸۴).

بررسی تطبیقی ایران و عراق نیز نشان می‌دهد که تفاوت در میزان توسعه سامانه‌های دیجیتال، ظرفیت نهادهای نظارتی و ضمانت اجرای قوانین، بر سطح تحقق پاسخگویی حقوقی در دو کشور تأثیرگذار است (وزارة العدل العراقیة، ۲۰۲۲، ۹۲؛ عبدالله، ۲۰۲۲، ۵۳). بر این اساس، دولت الکترونیک زمانی می‌تواند به ابزاری مؤثر برای حمایت از حقوق بشر و حقوق شهروندی تبدیل شود که پاسخگویی نهادهای عمومی را از یک تعهد صرفاً اداری به سازوکاری عملی، قابل پیگیری و برخوردار از ضمانت اجرای حقوقی ارتقا دهد.

۵-۴-۱. مفهوم و جایگاه پاسخگویی حقوقی در ایران

پاسخگویی حقوقی یکی از ارکان اصلی حکومت قانون و مبنای مشروعیت نهادهای عمومی است. در تعریف حقوقی، پاسخگویی به معنای تعهد نهادهای دولتی به ارائه گزارش عملکرد، پاسخگویی در برابر تصمیمات و پذیرش مسئولیت برای اقدامات انجام‌شده است (قادری، ۱۳۹۸، ۷۹). با ظهور دولت الکترونیک، سازوکارهای پاسخگویی تغییر بنیادین یافته و از حالت سنتی، دستی و محدود به حالت دیجیتال، سریع و قابل رصد برای عموم تبدیل شده است. در ایران، توسعه سامانه‌های «ثبت شکایات مردمی»، «دیوان عدالت اداری آنلاین» و «سامانه سامد» نمونه‌ای از تحقق پاسخگویی حقوقی الکترونیکی است.

سامانه سامد، به عنوان پل ارتباطی میان مردم و دستگاه‌های اجرایی، امکان ثبت شکایات، پیگیری پرونده‌ها و ارائه گزارش‌های پاسخگو را فراهم کرده است. این سامانه باعث کاهش بوروکراسی، افزایش سرعت رسیدگی و کاهش احتمال فساد در فرآیندهای اداری شده است (صفری، ۱۳۹۸، ۹۱). افزون بر آن، انتشار آنلاین گزارش عملکرد وزارتخانه‌ها و دستگاه‌های اجرایی در پرتال‌های رسمی دولت، امکان رصد فعالیت‌ها و ارزیابی تصمیمات را برای شهروندان فراهم کرده است.

۵-۴-۲. پاسخگویی حقوقی در عراق

در عراق، هرچند قانون اساسی سال ۲۰۰۵ و قوانین مرتبط بر پاسخگویی و شفافیت تأکید دارند، اما فقدان سامانه‌های جامع دیجیتال مانع تحقق آن شده است. نهادهایی مانند «دیوان الرقابة المالیة» و «هیئة النزاهة» نقش نظارتی دارند، اما گزارش‌دهی و رسیدگی به تخلفات عمدتاً به صورت دستی و با تأخیر انجام می‌شود (وزارة العدل العراقیة، ۲۰۲۲، ۹۲). پروژه‌هایی مانند «من أین لک هذا؟» تلاش کرده‌اند تا بخشی از دارایی مقامات را تحت نظارت عمومی قرار دهند، اما عدم الزام قانونی و ضعف زیرساخت فنی، اجرای کامل آن را محدود کرده است (عبدالله، ۲۰۲۲، ۵۳). تحلیل تطبیقی نشان می‌دهد که دولت الکترونیک در ایران توانسته با ایجاد زیرساخت‌های دیجیتال، پاسخگویی حقوقی را به سطح عملی و مؤثر برساند، در حالی که در عراق، پاسخگویی هنوز به سطح برنامه‌ای و محدود باقی مانده است. این تفاوت عمدتاً به تفاوت در ظرفیت نهادی، قوانین الزام‌آور، زیرساخت‌های فناوری و فرهنگ اداری بازمی‌گردد.

۵-۵. دولت الکترونیک و عدالت اداری

عدالت اداری از اصول بنیادین حقوق عمومی و یکی از شاخص‌های اساسی حمایت از حقوق بشر و حقوق شهروندی است که بر برابری افراد در برخورداری از خدمات عمومی، رعایت حقوق قانونی اشخاص و جلوگیری از تبعیض و سوءاستفاده از اختیارات اداری تأکید دارد. دولت الکترونیک با دیجیتالی‌کردن فرایندهای اداری، کاهش مراجعات حضوری، تسهیل دسترسی به خدمات عمومی و شفاف‌سازی تصمیمات دولتی، می‌تواند زمینه تحقق عدالت اداری و توزیع برابر فرصت‌ها میان شهروندان را فراهم سازد.

۵-۵-۱. عدالت اداری دیجیتال در ایران

عدالت اداری از اصول بنیادین حقوق عمومی و شاخص کلیدی مشروعیت دولت است و به معنای دسترسی برابر شهروندان به خدمات عمومی، رعایت حقوق قانونی و کاهش فرصت‌های فسادزا در فرآیندهای اداری است (کریم‌زاده، ۱۳۹۹، ۵۶). دولت الکترونیک، به عنوان ابزار مدرن حکمرانی، می‌تواند این عدالت را با شفاف‌سازی تصمیمات و کاهش تبعیض‌های فردی یا گروهی تضمین کند. در ایران، با توسعه سامانه‌های خدمات الکترونیک یکپارچه، دسترسی به بیش از دو هزار خدمت عمومی بدون نیاز به حضور فیزیکی در ادارات فراهم شده است. این امر نه تنها عدالت دسترسی به خدمات را افزایش داده بلکه موجب کاهش هزینه‌ها، زمان و فساد احتمالی در فرآیندها شده است (حسینی، ۱۴۰۱، ۸۷). پروژه‌هایی مانند «پنجره واحد کسب‌وکار» و «درگاه ملی مجوزها» نمونه‌های بارز تحقق عدالت اقتصادی و اداری از طریق دولت الکترونیک هستند.

۵-۵-۲. عدالت اداری دیجیتال در عراق

در عراق، اجرای دولت الکترونیک در زمینه عدالت اداری محدودتر است. نظام بوروکراتیک سنتی، ضعف قوانین الزام‌آور و کمبود زیرساخت‌های فنی موجب شده است که دسترسی برابر شهروندان به خدمات عمومی به طور کامل تحقق نیابد (وزارة العدل العراقیة، ۲۰۲۲، ۹۴). با این حال، نهادهایی مانند «هیئة النزاهة» و دیوان‌های نظارتی تلاش می‌کنند از طریق آموزش دیجیتال و راه‌اندازی

پایگاه‌های داده، عدالت را در سطح اجرایی بهبود دهند؛ اما این اقدامات هنوز به صورت پایدار و یکپارچه عملی نشده‌اند.

۵-۵-۳. تحلیل تطبیقی عدالت اداری

تحلیل تطبیقی نشان می‌دهد که ایران در مسیر تحقق عدالت اداری دیجیتال نسبت به عراق پیشرفته‌تر است، زیرا هم چارچوب قانونی منسجم‌تری دارد و هم سامانه‌های دیجیتال گسترده‌تری ایجاد کرده است. با این حال، هر دو کشور با چالش‌هایی نظیر تبعیض‌های ساختاری، ضعف فرهنگ پاسخگویی و محدودیت دسترسی به فناوری مواجه‌اند.

تحلیل تطبیقی نشان می‌دهد که دولت الکترونیک در ایران و عراق آثار حقوقی متعددی بر ساختار اداری، شفافیت، پاسخگویی و عدالت اداری دارد، اما میزان تحقق این آثار تفاوت چشمگیری دارد. در ایران، دولت با ایجاد چارچوب قانونی مشخص، توسعه سامانه‌های الکترونیک و نهادینه‌سازی فرهنگ شفافیت و پاسخگویی، توانسته است بخش عمده‌ای از اهداف دولت الکترونیک را عملیاتی کند. اصلاح ساختار اداری و فرآیندهای تصمیم‌گیری، انتشار آنلاین اطلاعات، امکان ثبت شکایات و دسترسی آزاد به خدمات، همگی نمونه‌های ملموس تحقق شفافیت و عدالت در نظام حقوقی ایران هستند (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۴۰۰، ۱۷۲).

در عراق، با وجود اراده سیاسی برای توسعه دولت الکترونیک و تصویب اسناد و قوانین پایه‌ای، ضعف زیرساخت، محدودیت‌های اجرایی، نبود قوانین الزام‌آور و ناتوانی نهادهای نظارتی مانع تحقق کامل اهداف شده است. در این کشور، دولت الکترونیک هنوز در مرحله آزمایشی و برنامه‌ای قرار دارد و شفافیت، پاسخگویی و عدالت اداری به صورت ناقص و محدود اعمال می‌شوند (وزارة الاتصالات العراقیة، ۲۰۱۹، ۳۱).

نتیجه کلی این است که موفقیت دولت الکترونیک در تحقق اهداف حقوقی و اداری، تابع چند عامل کلیدی است: وجود چارچوب قانونی منسجم و الزام‌آور، توانمندسازی نهادهای اجرایی، ایجاد زیرساخت‌های فناورانه امن و پایدار، آموزش کارگزاران دولتی و تقویت فرهنگ مشارکت و پاسخگویی. ایران در بسیاری از این زمینه‌ها نسبت به عراق پیشرفته‌تر است، اما برای رسیدن به یک نظام کامل و پایدار، نیازمند اصلاحات مستمر، به‌روزرسانی قوانین و افزایش ظرفیت نهادی است.

عراق نیز برای تحقق اهداف دولت الکترونیک، باید زیرساخت‌های دیجیتال، نهادهای نظارتی و چارچوب قانونی خود را تقویت کند و فرهنگ پاسخگویی و شفافیت را در سطح ملی نهادینه نماید (عبدالله، ۲۰۲۲، ۵۵). در مجموع، دولت الکترونیک می‌تواند به ابزار اصلی تحقق شفافیت، پاسخگویی، عدالت اداری و حکمرانی خوب تبدیل شود، مشروط بر آن که چارچوب‌های قانونی، فنی و فرهنگی هر دو کشور با اهداف دولت دیجیتال هماهنگ شود. این تحلیل نشان می‌دهد که توسعه دولت الکترونیک نه تنها مسئله‌ای تکنولوژیک، بلکه مسئله‌ای حقوقی، نهادی و فرهنگی است که موفقیت آن در گرو تعامل همزمان این ابعاد است.

۶. نتیجه گیری

تحلیل تطبیقی آثار حقوقی دولت الکترونیک در نظام‌های حقوقی ایران و عراق نشان می‌دهد که

تحول دیجیتال در ساختار اداری، فراتر از نوسازی ابزارهای ارائه خدمات عمومی، واجد ماهیتی حقوقی و نهادی است که بر چگونگی اعمال صلاحیت‌های اداری، حدود مسئولیت دولت و تضمین حقوق بنیادین شهروندان تأثیر می‌گذارد. یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که تحقق شفافیت و پاسخگویی اداری صرفاً تابع گسترش زیرساخت‌های فناوری اطلاعات نیست، بلکه به میزان انسجام چارچوب‌های تقنینی، اثربخشی ضمانت اجراهای حقوقی، استقلال نهادهای نظارتی و امکان اعمال حقوق شهروندان در محیط دیجیتال وابسته است. بر این اساس، معیار ارزیابی دولت الکترونیک باید از شاخص‌های صرفاً فنی و اجرایی فراتر رفته و بر میزان تحقق حاکمیت قانون، عدالت اداری، حق دسترسی به اطلاعات و حمایت مؤثر از حقوق اشخاص متمرکز شود.

نتایج مقایسه‌ای پژوهش نشان می‌دهد که نظام حقوقی ایران، به دلیل برخورداری از قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات و توسعه نسبی سامانه‌های الکترونیکی ارائه خدمات و ثبت شکایات، از ظرفیت قانونی و نهادی منسجم‌تری نسبت به عراق برخوردار است. با این حال، وجود این ظرفیت‌ها لزوماً به معنای تحقق کامل شفافیت و پاسخگویی نیست؛ زیرا ضعف برخی ضمانت اجراهای قانونی، ناهماهنگی میان دستگاه‌های اجرایی و کاستی‌های مربوط به حمایت از داده‌های شخصی همچنان از موانع تحقق حقوق شهروندان محسوب می‌شوند. در مقابل، نظام حقوقی عراق، با وجود شناسایی برخی حقوق و اصول مرتبط با حکمرانی پاسخگو در قانون اساسی سال ۲۰۰۵ و فعالیت نهادهایی نظیر هیئت پاکدستی، به دلیل فقدان چارچوب تقنینی جامع در حوزه دسترسی به اطلاعات، محدودیت زیرساخت‌های دیجیتال و ضعف هماهنگی نهادی، با موانع گسترده‌تری در نهادینه‌سازی شفافیت و پاسخگویی الکترونیکی مواجه است. بنابراین، تفاوت اساسی دو کشور را باید در میزان انسجام نظام حقوقی و ظرفیت اجرایی تضمین حقوق شهروندان جست‌وجو کرد.

از منظر شفافیت اداری، مهم‌ترین نتیجه پژوهش آن است که انتشار الکترونیکی اطلاعات تنها زمانی واجد اثر حقوقی مؤثر خواهد بود که حق دسترسی شهروندان به اطلاعات عمومی با تکالیف قانونی مشخص دستگاه‌های اجرایی و ضمانت اجراهای مناسب همراه شود. در این زمینه، پیشنهاد می‌شود در نظام حقوقی ایران، سازوکارهای نظارت بر اجرای قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات تقویت شده و مسئولیت دستگاه‌های عمومی در قبال خودداری غیرموجه، تأخیر یا ارائه ناقص اطلاعات به‌صورت روشن‌تر تعیین شود. همچنین، توسعه سازوکارهای اعتراض و رسیدگی به شکایات مرتبط با دسترسی به اطلاعات می‌تواند زمینه اجرای مؤثرتر این حق را فراهم سازد. در نظام حقوقی عراق، اولویت اساسی، تدوین و تصویب چارچوب قانونی جامع برای تضمین حق دسترسی به اطلاعات عمومی، تعیین حدود استثنائات قانونی، مشخص‌کردن تکالیف نهادهای دولتی در انتشار اطلاعات و پیش‌بینی مرجع نظارتی مؤثر برای رسیدگی به موارد نقض این حق است. چنین اصلاحاتی می‌تواند شفافیت را از سطح

سیاست‌گذاری اداری به جایگاه تعهدی الزام‌آور در حقوق عمومی ارتقا دهد.

در حوزه پاسخگویی حقوقی، یافته‌ها نشان می‌دهد که ایجاد سامانه‌های ثبت شکایات و پیگیری درخواست‌های اداری، بدون پیش‌بینی سازوکارهای الزام‌آور برای رسیدگی، پاسخ مستدل و جبران نقض حقوق اشخاص، نمی‌تواند به‌تنهایی پاسخگویی مؤثر را تضمین کند. از این‌رو، در نظام حقوقی ایران، ضرورت دارد ارتباط میان سامانه‌های الکترونیکی پاسخگویی، مراجع نظارت اداری و سازوکارهای رسیدگی قضایی تقویت شود و تکالیف دستگاه‌های اجرایی در خصوص ثبت، بررسی و پاسخ به شکایات، همراه با امکان پیگیری نتیجه و اعتراض به تصمیمات، به‌صورت شفاف تنظیم گردد. در عراق نیز اصلاح مقررات ناظر بر مسئولیت اداری، تقویت اختیارات و ظرفیت اجرایی نهادهای نظارتی و ایجاد سامانه‌های یکپارچه ثبت و پیگیری شکایات از الزامات اساسی است. در هر دو کشور، پاسخگویی الکترونیکی باید بر اصول قانونی‌بودن تصمیمات، قابلیت انتساب مسئولیت، حق اعتراض، دسترسی به مرجع رسیدگی مؤثر و امکان جبران خسارت ناشی از اقدامات غیرقانونی اداری استوار باشد.

از حیث عدالت اداری و اصول حقوق بشر، نتایج پژوهش مؤید آن است که دیجیتالی‌شدن خدمات عمومی، به‌رغم ظرفیت آن برای کاهش تشریفات اداری و محدودکردن زمینه‌های اعمال سلیقه، در صورت فقدان سیاست‌های حقوقی حمایتی می‌تواند به بازتولید نابرابری منجر شود. بر این اساس، اصل برابری در بهره‌مندی از خدمات عمومی اقتضا می‌کند که طراحی و اجرای دولت الکترونیک با توجه به شرایط گروه‌های فاقد امکانات فناوری، ساکنان مناطق محروم و اشخاص دارای محدودیت در استفاده از خدمات دیجیتال انجام گیرد. در این راستا، پیش‌بینی شیوه‌های جایگزین دریافت خدمات، توسعه زیرساخت‌های دسترسی عمومی و تضمین امکان اعتراض به تصمیمات اداری الکترونیکی باید از تعهدات اساسی دستگاه‌های اجرایی تلقی شود. به بیان دیگر، عدالت اداری دیجیتال زمانی تحقق می‌یابد که تحول فناورانه نه‌تنها موجب تسهیل فرایندهای اداری، بلکه سبب تقویت برابری حقوقی و دسترسی مؤثر شهروندان به خدمات و حمایت‌های قانونی شود.

یکی دیگر از نتایج بنیادین پژوهش، ضرورت ایجاد تعادل حقوقی میان اصل شفافیت اداری و حق بر حریم خصوصی است. گسترش پایگاه‌های داده دولتی و تبادل الکترونیکی اطلاعات، اگرچه امکان نظارت و کارآمدی اداری را افزایش می‌دهد، در فقدان ضوابط قانونی مناسب می‌تواند زمینه پردازش غیرمجاز داده‌ها، افشای اطلاعات شخصی و نقض حقوق بنیادین اشخاص را فراهم سازد. از این‌رو، پیشنهاد می‌شود در هر دو نظام حقوقی، چارچوب‌های قانونی حمایت از داده‌های شخصی با تأکید بر اصول مشروعیت پردازش، محدودیت هدف، تناسب در جمع‌آوری اطلاعات، امنیت داده‌ها و مسئولیت نهادهای پردازش‌کننده تقویت شود. در ایران، رفع خلأهای مقرراتی و ایجاد سازوکار نظارتی مؤثر بر پردازش داده‌های شخصی در دستگاه‌های عمومی اهمیت ویژه‌ای دارد. در عراق نیز تدوین مقررات منسجم در حوزه حفاظت از اطلاعات شخصی و تعیین مسئولیت قانونی نهادهای دولتی

در قبال نقض امنیت داده‌ها باید در اولویت اصلاحات حقوقی قرار گیرد.

از منظر تحلیلی، دستاورد اصلی این پژوهش در تبیین ارتباط متقابل سه مؤلفه شفافیت، پاسخگویی و عدالت اداری در چارچوب آموزه‌های حقوق بشر است. در این چارچوب، شفافیت زمینه آگاهی شهروندان از تصمیمات و اقدامات نهادهای عمومی را فراهم می‌سازد؛ پاسخگویی، امکان مطالبه توضیح، احراز مسئولیت و پیگیری تخلفات اداری را تقویت می‌کند؛ و عدالت اداری، برخورداری برابر اشخاص از خدمات عمومی و حمایت‌های قانونی را تضمین می‌نماید. بنابراین، این مؤلفه‌ها نباید به‌صورت مستقل و منفصل در سیاست‌گذاری دولت الکترونیک مورد توجه قرار گیرند، بلکه تحقق مؤثر آن‌ها مستلزم شکل‌گیری چارچوب حقوقی منسجمی است که در آن حق دسترسی به اطلاعات، مسئولیت‌پذیری نهادهای اجرایی، حمایت از حریم خصوصی و حق دادخواهی اداری به‌صورت هماهنگ تضمین شود.

در نهایت، نتایج پژوهش نشان می‌دهد که اولویت اصلاحات حقوقی در ایران باید بر ارتقاء اثربخشی قوانین موجود، تقویت ضمانت اجراهای شفافیت و پاسخگویی، رفع خلأهای حمایت از داده‌های شخصی و بهبود هماهنگی میان نهادهای اجرایی و نظارتی متمرکز شود؛ درحالی‌که در عراق، ایجاد بستر قانونی جامع، توسعه ظرفیت‌های نهادی، تقویت زیرساخت‌های دیجیتال و استقرار سازوکارهای الزام‌آور نظارت و پاسخگویی از ضرورت‌های اساسی به‌شمار می‌رود. بر این مبنا، می‌توان نتیجه گرفت که مشروعیت حقوقی دولت الکترونیک نه صرفاً از توسعه فناوری، بلکه از میزان انطباق آن با اصول حاکمیت قانون، کرامت انسانی، برابری، شفافیت و مسئولیت‌پذیری دولت ناشی می‌شود. از این‌رو، دولت الکترونیک باید به‌عنوان ابزاری حقوقی برای محدودسازی اعمال خودسرانه قدرت عمومی، تضمین حقوق شهروندان و تحقق حکمرانی مطلوب مورد توجه قرار گیرد؛ ابزاری که اثربخشی نهایی آن با میزان برخورداری عملی شهروندان از حقوق بنیادین و امکان نظارت و دادخواهی در برابر تصمیمات اداری سنجیده می‌شود. این نسخه با تمرکز بر ایراد مطرح‌شده در داوری اصلاح شده است؛ به این معنا که علاوه بر جمع‌بندی یافته‌های تطبیقی، راهکارهای حقوقی و تقنینی مشخص و متمایز برای ایران و عراق ارائه می‌کند و ارتباط آن‌ها را با اصول حقوق بشر، ضمانت اجراهای اداری و حمایت از حقوق شهروندان روشن‌تر می‌سازد.

۷. سهم نویسندگان

نگارش متن توسط نویسندگان و نظارت علمی و اصلاحات نهایی توسط نویسنده مسئول صورت گرفت.

۸. تضاد منافع

در این پژوهش هیچ‌گونه تضاد منافعی وجود ندارد.

منابع

- احمدی، م.، *دولت الکترونیک و شفافیت اداری در ایران*، تهران، نشر سمت، ۱۴۰۱.

- الشمری، ع.، «أثر الحکومة الإلکترونیة المحلیة فی تطویر اللامرکزیة الإداریة بالعراق»، *مجلة مرکز بابل للدراسات الإنسانیة*، المجلد ۱۲، العدد ۲، ۲۰۲۲.

- حسینی، ع.، *حکمرانی دیجیتال و اصلاح ساختار اداری*، تهران، مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۴۰۱.

- خلیلی، م.، «کشاکش دولت الکترونیک با دموکراسی الکترونیک»، *فصلنامه دولت‌پژوهی*، سال اول، شماره سوم، ۱۳۹۵.

- دقتی، ع؛ یعقوبی، ن؛ کمالیان، ا و دهقانی، م.، «طراحی الگوی استقرار و توسعه حکمرانی خوب الکترونیک با استفاده از رویکرد فراترکیب»، *پژوهش‌های مدیریت در ایران*، دوره بیست‌وچهارم، شماره دوم، ۱۴۰۰.

- صفری، س.، *پاسخگویی حقوقی و عدالت اداری در دولت الکترونیک*، تهران، نشر میزان، ۱۳۹۸.

- عبدالرحمن، ع.، *تحدیات تطبیق الحکومة الإلکترونیة فی العراق*، بغداد، دار المدی، ۲۰۲۲.

- عبدالله، ف.، *شفافیة الإدارة العامة ودورها فی الحکومة الإلکترونیة*، بغداد، مرکز الدراسات القانونیة العراقیة، ۲۰۲۲.

- قادری، م.، *حکمرانی خوب و نقش فناوری اطلاعات*، تهران، نشر نور، ۱۳۹۸.

- کاظمی، ر.، *دولت الکترونیک و شفافیت اداری: تجربه ایران*، تهران، دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۹۸.

- کریم‌زاده، ف.، *عدالت اداری و فناوری اطلاعات در خدمات عمومی*، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۹۹.

- مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، *گزارش توسعه دولت الکترونیک در ایران*، تهران، مرکز پژوهش‌ها، ۱۴۰۰.

- منظمة الأمم المتحدة، *تقریر التقدم فی الحکومة الإلکترونیة*، نیویورک، ۲۰۱۸.

- نصیری، ک.، *حقوق فناوری اطلاعات و دولت الکترونیک*، تهران، مؤسسه حقوقی دادآفرین، ۱۳۹۹.

- وزارة الاتصالات العراقیة، *الاستراتیجیة الوطنیة للحکومة الإلکترونیة*، بغداد، وزارة الاتصالات العراقیة، ۲۰۱۹.

- وزارة العدل العراقیة، *تقریر حول النزاهة والشفافیة فی الحکومة العراقیة*، بغداد، وزارة العدل، ۲۰۲۲.

- هیئة النزاهة العراقیة، *قانون هیئة النزاهة ومکافحة الفساد*، بغداد، الجریدة الرسمیة، ۲۰۱۱.